

لویی فردینان سلین

ترجمه‌ی مهدی سحابی

قصر به قصر



مقدمه

به جای «قصر به قصر»، می‌شد عنوان این کتاب «انتهای شب» باشد، چرا که مضمون آن برآستی مقصد و پایان سفری است که باردامو، قهرمان جوان اولین کتاب لویی فردینان سلین آغاز می‌کند. قصرهایی که عنوان کتاب به آنها اشاره دارد مکان‌های خوش شکوه و تجمل و رفاهی نیستند که کلمه تداعی می‌کند، بلکه جولانگاه دردآلود اشباحی‌اند که در وضعیتی واقعاً آخر زمانی آزاد شده‌اند و انگار که بناست همه عالم را پر کنند و دیگر تا ابد ماندگار بشوند، اشباح جنگ و ترس و نفرت و ادبار. کتاب شرح سه دوره «قصرنشینی» سلین است، اول «زیگمارینگن»، کاخ دودمان شهر یاران نیمه افسانه‌ای هوهنتزولرن که منتهی اینک آخرین پناهگاه همه پس مانده‌های توفان جنگ دوم جهانی شده است. پایانه‌ای که در آن زندگی هر روزه به ساعت‌شماری فرار سیدن به قول سلین، زمان پخ‌پخ می‌گذرد. دوره دوم، زندگی زندان و دربه‌دری بدنامی و مطرودی است. دوره سوم، دوره نهایی، زندگی سال‌های آخر سلین پزشک گوشه گرفته، با تک‌وتوک مریض‌هایی از خود او فقیرتر.

از دیدگاه مجموعه آثار سلین هم «قصر به قصر» کتاب به تعبیری پایانی و «حرف آخر» اوست. «سفر به انتهای شب»، که به محض انتشار سلین را در جایگاه نویسنده بزرگ نوآور دوران‌سازی نشانده که از آن پس همواره در آن مانده است، کتاب جوانی سلین بود، با همه شور و هیجان و گاهی هم ناپختگی‌هایی که از جوانی جدایی‌ناپذیرند. «مرگ قسطی» گرچه بعد از «سفر» نوشته و منتشر شد، کتاب «نوجوانی» نویسنده بود. نوعی بازگشت به گذشته‌تر و شرح سال‌هایی که باردامو در گیرودار و افت‌وخیزهای جنگ و جوانی فراموش‌شان کرده، یا

چنان که باید به آنها نپرداخته بود. شاید هم به نحوی، با توجه به این که اینک تقریباً همه همزبان اند که «مرگ قسطی» بهترین کتاب و شاهکار مسلم سلین است، لازم بود که این اثر پس از «دستگرمی» کتاب اول نوشته شود. «قصر به قصر» کتاب پیری سلین است، دوران هم پختگی و هم امیدباختگی، اوج قوام و انسجام زبانی و از سوی دیگر نهایت شکاکتی و صراحت نویسنده که در آنچه می بیند و می گوید دیگر هیچ جای مجامله و تعارفی نیست. هر چه هست یقین است، چه ما را خوش بیاید چه نه. «قصر به قصر» از هر نظر دو کتاب پیشین را کامل می کند و با آنها سه شاهکار بنیادین سلین را تشکیل می دهد.

آثار سلین، با همه نشانه هایی که از تجربه های زندگی شخصی او دارند، به هیچ وجه زندگینامه نیستند و تخیل عنان گسیخته و زبان بی نظیر او خیلی زود، عملاً بلافاصله پس از اولین کلمات هر کتاب، رابطه خواننده را با خصوصیت فردی او قطع می کند و او را به جهان یگانه ای می برد که یکسره ساخته خلاقیت اوست. این جهان به هیچ عالم دیگری، به دنیای هیچ نویسنده دیگری شبیه نیست. علیرغم انطباق های گول زنده اش با واقعیت، و بویژه تب و تاب احساسی و عاطفی بسیار شدیدی که مشخصه اصلی سلین است و تنها می تواند در گزش و سوزش «واقعیت» ریشه داشته باشد، واقعی نیست. دنیایی کاملاً ساختگی است که بویژه با توجه به صحنه اصلی اش در این کتاب، یعنی قصر و قلعه زیگمارینگن و تاریخ بیش از هزار ساله اش می شود آن را دنیایی افسانه ای هم نامید. آنچه در این قصر، در مرکز دنیای سلینی می گذرد رویدادهای هر روزه زندگی چند هزار نفری نیست که پزشکشان به اقتضای حرفه و وظایفش شاهد آنهاست و تعریف می کند، بلکه شرح وضعیت هایی در نهایت استعاری از زبان کسی است که ذاتاً و عمداً با عینی گرایی و «بیطرفی» سر جنگ دارد. روایت چنین شاهدهی از این دنیای بظاهر کوچک و بسته، نوعی قصه پریان (درواقع با تک و توک پری و انبوهی از هیولا و جادوگر)، نوعی حماسه می شود که هزل ویرانگر سلین، پرخاش عصیانی و موشکافی عالمانه او به آن ابعادی بیکرانه می دهد. خواننده با یک حرکت ساده، با فراموشی آگاهانه تجربه های شخصی سلین، و با قبول این که این تجربه ها فقط مایه آغازین روایت نویسنده بوده اند، به همه عمق و بُرد این حماسه می رسد و تصویری فراموش نشدنی از انسان را، در یکی از سرنوشتی ترین دوره های تاریخ، رویارو می بیند.

لویی فردینان دتوش (سلین) در سال ۱۸۹۴ در کوربه و آ در حومه پاریس به دنیا آمد. پدرش کارمند یک مؤسسه بیمه و مادرش خرازی فروش بود. کودکی سلین عملاً در مغازه مادرش گذشت، آینده ای که برای او خواسته و پیش بینی می شد کسب و تجارت بود و از همین رو، برای موفقیت بیشتر در چنین زمینه ای، برای فراگیری زبانی خارجی مدتی به آلمان و بعد به انگلیس فرستاده شد. چندی که هم نزد پیشه و رانی، از جمله چند جواهرساز، به کار پرداخت. در سال ۱۹۱۲ به خدمت سربازی رفت و در اولین هفته های جنگ در منطقه فلاندر زخمی و به عنوان از کار افتاده ۷۰ درصد با یک مدال نظامی از ادامه خدمت معاف شد. در سال ۱۹۱۶ به عنوان کارمند یک مؤسسه تجاری به کامرون، مستعمره آن زمان آلمان رفت. آنجا به مالاریا مبتلا شد، در سال ۱۹۱۷ به فرانسه برگشت، دیپلم گرفت، در شهر «رن» و سپس در پاریس پزشکی خواند و در سال ۱۹۲۴ تحصیلات پزشکی اش را به پایان رساند. سلین از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ کارمند جامعه ملل بود که او را به آمریکا و آفریقای غربی فرستاد. از سال ۱۹۲۷ به بعد در درمانگاهی در کلیشی مستقر شد و از آن پس، در طول زندگی اش، برغم همه جابه جایی ها، همواره «پزشک فقرا» باقی ماند و چه در درمانگاه ها و بیمارستان ها و چه در مطب شخصی اش، به این حرفه ادامه داد.

اولین کتاب سلین **سفر به انتهای شب**، در سال ۱۹۳۲ منتشر شد و در جا او را به عنوان یک نویسنده نوآور مطرح کرد. **سفر** بسیار پرفروش بود و از آن زمان تاکنون همواره چنین مانده است. **مرگ قسطی**، که اکنون از جانب اکثر اهل فن بهترین کتاب سلین دانسته می شود در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. در همین سال سلین سفری به اتحاد شوروی کرد و در بازگشت ادعاینامه **گناه من** را نوشت. سال بعد **رمان جنگ** را نیمه تمام گذاشت و **هیچ و پوچ** برای **یک کشتار** و سپس **مدرسه جنازه ها** را به چاپ رساند. در سال ۱۹۴۰، در جریان مهاجرت پناهندگان جنگ به عنوان پزشک همراه شان بود و در سال ۱۹۴۱ ادعاینامه **مخمصه** و در سال ۱۹۴۴ **دسته دلفک ها** را منتشر کرد.

از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۵۱، سلین به عنوان «همکاری کرده» با دولت ویشی و آلمان، تحت تعقیب بود و نزدیک به دو سال این دوره را در دانمارک زندانی شد. در بازگشت به فرانسه، در «مدون» در حومه پاریس مستقر شد و ضمن ادامه کار طبابت، آثار دیگرش را منتشر کرد که عبارتند از: **نمایش افسانه ای برای وقتی دیگر**، ۱ (۱۹۵۲). **نور مانس**، **نمایش افسانه ای**